

به کتاب گویا گوش کنید؛ سپس در یک کار گروهی شعر زیر را ترجمه کنید. در پایان اشکالات ترجمه را از دبیرتان بپرسید. می‌توانید یک گروه تشکیل دهید و شعر را برای جلسه آینده به صورت سرود اجرا کنید.

مُرَاجَعَةُ دُرُوسِ الصَّفِّ السَّابِعِ وَ الثَّامِنِ وَ التَّاسِعِ

ذَاكَ هُوَ اللَّهُ

آن همان خداوند است.

أَنْظُرُ لَيْتَكَ الشَّجَرَةَ ذَاتِ الْعُصُونِ النَّضْرَةَ^۱

به آن درختِ دارای شاخه‌های تر و تازه نگاه کن.

كَيْفَ نَمَتَ مِنْ حَبَّةٍ وَ كَيْفَ صَارَتْ شَجَرَةً

چگونه از دانه‌ای رشد کرد و چگونه درخت گردید

فَابْحَثْ وَ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يُخْرِجُ مِنْهَا الثَّمَرَ

پس جست و جو کن و بگو این کیست که میوه را از آن بیرون می‌آورد.

وَ انْظُرْ إِلَى الشَّمْسِ الَّتِي جَذَوْتَهَا مُسْتَعِرَةً

و به خورشیدی که پاره آتش آن فروزان است، نگاه کن.

فِيهَا ضِيَاءٌ وَ بِهَا حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَةٌ

در آن روشنایی است و با آن حرارتی پراکنده است.

مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا فِي الْجَوِّ مِثْلَ الشَّرَرَةِ

و این کیست که آن را در هوا مانند پاره آتش پدید آورد.

ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي أَنْعَمَهُ مِنْهُمْ

آن همان خداوندی است که نعمت‌هایش ریزان است.

ذُو حِكْمَةٍ بِالْعَةِ وَ قُدْرَةٍ مُقْتَدِرَةٍ

دارای حکمتی کامل و قدرتی با اقتدار است.

أَنْظُرْ إِلَى اللَّيْلِ فَمَنْ أَوْجَدَ فِيهِ قَمَرَهُ

به شب نگاه کن پس چه کسی ماه را در آن پدید آورد.

وَ زَانَهُ بِالنُّجُومِ كَالذَّرْرِ الْمُنْتَشِرَةِ

و آن را (شب) با ستارگانی مانند مرواریدهای پراکنده زینت داد.

۱- الشَّاعِرُ: مَعْرُوفُ الرِّصَاقِي، شَاعِرٌ عِرَاقِيٌّ مِنْ أَبِي كُرْدِيِّ النَّسَبِ وَ أُمَّ تُرْكَمَانِيَّةٍ، لَهُ آثَارٌ كَثِيرَةٌ فِي النَّثْرِ وَ الشُّعْرِ.

وَ انظُرْ إِلَى الْعِيمِ فَمَنْ أَنْزَلَ مِنْهُ مَطَرَهُ

به ابر نگاه کن پس چه کسی باران را از آن نازل کرد.

فَصَيَّرَ الْأَرْضَ بِهِ بَعْدَ اغْبَارِ خَضْرَاهُ

پس زمین را با آن (باران) بعد از غبار آلودگی (تیره رنگی)، سبز گردانید.

وَ انظُرْ إِلَى الْمَرْءِ وَقُلْ مَنْ شَقَّ فِيهِ بَصَرَهُ

و به انسان نگاه کن و بگو چه کسی چشم را در او شکافت. (باز کرد)

مَنْ ذَا الَّذِي جَهَّزَهُ بِقُوَّةٍ مُفْتَكِرَهُ

و این کیست که او را نیرویی اندیشمند مجهز کرده است.

ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي أَنْعَمَهُ مِنْهُمِرَهُ

آن همان خداوندی است که نعمت‌هایش ریزان است.

عِيم: ابر

قُل: بگو

مُسْتَعْرَة: فروزان

مُفْتَكِرَة: اندیشمند

مُنْهَمِرَة: ریزان

نَضْرَة: تر و تازه

نَمَتْ: رشد کرد «مؤنث»

يُخْرِجُ: درمی آورد

ذا: این ← هَذَا

ذات: دارای

ذَاكَ: آن

زَانَ: زینت داد

شَرَرَة: اخگر (پاره آتش)

شَقَّ: شکافت

صَيَّرَ: گردانید

ضياء: روشنایی

عُصُون: شاخه‌ها (مفرد: عُصْن)

اغْبَار: تیره رنگی، غبار آلودگی

أَنْجَم: ستارگان

أَنْزَلَ: نازل کرد

أَنْعَم: نعمت‌ها

أَوْجَدَ: پدید آورد

بَالِغ: کامل

جَذْوَة: پاره آتش

جَهَّزَ: مجهز کرد

خَضْرَة: سرسبز

دُرَر: مرواریدها (مفرد: دُر)

در گروه‌های دو نفره، شبیه گفت‌وگوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

حوارات (التعارُفُ في مَطَارِ النَّجَفِ الْأَشْرَفِ)

أَحَدُ الْمُوظَّفِينَ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ

یکی از کارمندان در سالن فرودگاه

زائرُ مَرَقَدِ أميرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ ع

زائر مرقد امیرالمؤمنین علی (ع)

وَ عَلَیْكُمْ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما باد.

السَّلَامُ عَلَیْكُمْ.

سلام علیکم.

صَبَاحَ النُّورِ وَ السُّرُورِ.

صبح بخیر و شادی

صَبَاحَ الْخَيْرِ يَا أَخِي.

صبح بخیر، ای برادرم.

أَنَا بِخَيْرٍ، وَ كَيْفَ أَنْتَ؟

من خوبم، تو چطوری؟

كَيْفَ حَالُكَ؟

حالت چطور است؟

عَفْوًا، مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟

ببخشید، تو اهل کجایی؟

بِخَيْرٍ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ.

خوبم خدا را شکر.

مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟

اسم شریف شما؟

أَنَا مِنَ الْجُمْهُورِيَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ الْإِيرَانِيَّةِ.

من از جمهوری اسلامی ایران هستم.

إِسْمِي عَبْدُ الرَّحْمَانِ.

اسم من عبدالرحمان است.

إِسْمِي حَسِينٌ وَ مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟

اسم من حسین است و اسم شریف شما؟

لَا؛ مَعَ الْأَسْفِ. لِكُنِّي أَحِبُّ أَنْ أُسَافِرَ.

نه. متاسفانه. ولی من دوست دارم سفر کنم.

هَلْ سَافَرْتَ إِلَى إِيرَانَ حَتَّى الْآنَ؟

آیا تاکنون به ایران سفر کرده‌ای؟

إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛ إِلَى اللَّقَاءِ؛ مَعَ السَّلَامَةِ.

اگر خدا بخواهد؛ به امید دیدار؛ به سلامت

إِنْ شَاءَ اللَّهُ تُسَافِرُ إِلَى إِيرَانَ!

اگر خدا بخواهد به ایران سفر می‌کنی؟

فِي أَمَانِ اللَّهِ وَ حِفْظِهِ، يَا حَبِيبِي.

در امان و پناه خداوند، ای دوست من.

فِي أَمَانِ اللَّهِ.

در امان خدا.

تمرینات درس را به صورت گروهی در کلاس حل کنید و اشکالات خود را در پایان از دبیرتان پرسید.

التَّمارين

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: كَمَّلْ تَرْجَمَةَ الْآيَاتِ وَ الْأَحَادِيثِ التَّالِيَةِ.

۱- ﴿وَأَجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ﴾ الشُّعْرَاءُ : ٨٤

و برای من یاد نیکو در .. {میان} آیندگان قرار ده.

۲- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ الصَّفَّ : ٢

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا می‌گویید آن چه که انجام نمی‌دهید.

۳- ﴿وَاعْمَلُوا صَالِحاً إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ﴾ الْمُؤْمِنُونَ : ٥١

و کار نیکو انجام دهید، به درستی که من به آن چه انجام می‌دهید آگاه هستم.

۴- ﴿رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ الْأَعْرَافُ : ٤٧

پروردگارا، ما را با قوم ستمگران قرار نده.

۵- «لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَ صَوْمِهِمْ وَ كَثْرَةِ الْحَجِّ... وَلَكِنْ انظُرُوا إِلَى

صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ.» رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

به بسیاری نمازشان و .. روزه‌شان و بسیاری حَجَّشان ننگرید. بلکه .. به .. درستی

سخن و ادای امانت {آنها} بنگرید.

۶- «إِرْحَمْ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمُكَ مَنْ فِي السَّمَاءِ.» رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

به کسی که در زمین است رحم کن تا کسی که در آسمان است به تو رحم کند.

الْتَمَرِينُ الثَّانِي: اِقْرَأِ الْأَحَادِيثَ الثَّلَاثَةَ، ثُمَّ عَيِّنْ تَرْجَمَتَهَا الصَّحِيحَةَ.

۱- «إِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَاعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا.» رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

برای (دنیایت دنیا) چنان کار کن گویی همیشه (زندگی می کنی لذت می بری)
و برای آخرت چنان کار کن گویی (فردا می میری نزدیک است بمیری) .

۲- «أُنْظِرْ إِلَى مَا قَالَ وَلَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ.» أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

به آنچه گفته است (بنگر می نگرم) و به آن که گفته است (ننگر نمی نگرم) .

۳- «إِذَا مَلَكَ الْأَرَاذِلُ الْأَفَاضِلُ.» أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

هرگاه فرومایگان (به فرمانروایی رسیدند مالک قدرت شدند)؛ شایستگان هلاک شدند.

۴- «مَنْ زَرَعَ الْعُدْوَانَ حَصَدَ الْخُسْرَانَ.» أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

هرکس (دشمنی دوستی) کاشت؛ (زیان سود) درو کرد.

۵- «الْكَلَامُ كَالدَّوَاءِ؛ قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَكَثِيرُهُ قَاتِلٌ.» أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

سخن مانند داروست. اندکش (سود می رساند شفا می دهد) و بسیارش گشنده است.



الْتَمْرِينُ الثَّالِثُ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ وَ الْأَحَادِيثَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَاضِيَ وَالْمُضَارِعَ وَالْأَمْرَ وَالنَّهْيَ.

- ۱- ﴿... وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ...﴾ النحل: ۳۳
 ظَلَمَ: ماضی
 كانوا: ماضی
 يَظْلِمُونَ: مضارع
 و خداوند به آن‌ها ستم نکرد بلکه خودشان به خودشان ستم می‌کردند.
- ۲- ﴿... وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا...﴾ النساء: ۲۹
 تقتلوا: نهی
 كان: ماضی
 خودتان را نکشید، به درستی که خداوند نسبت به شما مهربان است.
- ۳- ﴿... لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ وَ ادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ...﴾ يوسف: ۶۷
 تدخلوا: نهی
 ادخلوا: امر
 از یک در وارد نشوید و از درهای متفاوت وارد شوید.
- ۴- اَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
 اطلبوا: امر
 علم را حتی در چین بجوید (طلب کنید) زیرا طلب علم واجب است.
- ۵- إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ؛ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَدَرْتَ: ماضی
 اجعل: امر
 زمانی که بر دشمن مسلط گشتی؛ پس به خاطر شکر برای تسلط بر او، از او در گذر.
- ۶- قَوْلٌ «لَا أَعْلَمُ» نِصْفُ الْعِلْمِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ ع
 اعلم: مضارع
 سخن «نمی‌دانم» نصف علم است.

الْتَمْرِينُ الرَّابِعُ: تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ وَ اذْكُرْ صِيغَهَا.

ما قَدَرُوا	نتوانستند جمع مذکر غایب	قَبَّلَتْ	بوسیدی مفرد مذکر مخاطب	سَنَكَشِفُ	کشف خواهیم کرد متکلم مع الغیر
ما فَقَدْنَا	از دست ندادیم متکلم مع الغیر	تَلَبَّسُونَ	می‌پوشید جمع مذکر مخاطب	سَوْفَ يَفْرَحُ	خوشحال خواهد شد مفرد مذکر غایب
عَيَّرَنَ	تغییر دادند جمع مؤنث غایب	تَطَرَّفَنَ	می‌کوبید جمع مؤنث مخاطب	لَا تَصْعَدِينَ	بالا می‌روی مفرد مؤنث مخاطب
أَرْقَدُوا	بخوابید جمع مذکر مخاطب	لَا تَهْرَبْ	فرار نکن مفرد مذکر مخاطب	كَانَ يَلْعَبُ	بازی می‌کرد مفرد مذکر غایب

التمرين الخامس: اكتب في الفراغ كلمة مناسبة حسب المعنى.

- ١- الأعدادُ الأصليَّةُ هي: واحد / .. إثنان... / .. ثلاثة... / أربعَة / .. خمسة... / .. ستة... / .. سبعة... / .. ثمانية... / .. تسعة... / عشرَة / .. أحدَ عشرَ / .. اثناعشرَ
- ٢- الأعدادُ الترتيبيَّةُ هي: الأوَّلُ / .. الثاني... / .. الثالثُ / .. الرَّابِعة... / .. الخامسُ / .. السادسُ / .. السَّابعُ / .. الثَّامنُ... / .. التاسع... / العاشرُ / .. الحادي... / الثاني عشرَ
- ٣- أيَّامُ الأسبوعِ سبعةٌ و هي: يومُ السَّبْتِ و الأَحَدُ... و الإثنينِ و الثلاثاء... و الأربعاء... و الخميس... و الجمعة.
- ٤- فصولُ السَّنَةِ أربعَةٌ و هي: فصلُ الرَّبيعِ و .. الصَّيفِ... و الخريفِ و .. الشَّتاء... / نأكلُ الفطورَ في الصَّباحِ و .. الغداء... في الظُّهرِ و .. العشاء... في اللَّيلِ.
- ٦- لونُ الغرابِ .. أسودٌ...، و لونُ السَّحابِ .. أبيضُ... و لونُ البَحْرِ .. أزرقٌ...، و لونُ الموزِ .. أصفرٌ...، و لونُ الرُّمانِ .. أحمرٌ...، و لونُ الشَّجَرِ .. أخضرٌ...

التمرين السادس: ضع في الدائرة العدد المناسب. «كلمة واحدة زائدة».

- | | | |
|---|--|-------------------------------------|
| ٧ | مِنَ الأحجارِ الجَميلةِ الغاليةِ ذاتِ اللونِ الأبيضِ.
از سنگ‌های زیبای گران قیمت با رنگ سفید هستند. | ١- الشَّرَرَةُ
زبانه آتش |
| ٢ | جَدَوْتُهَا مُسْتَعْرَةً، فِيهَا ضِيَاءٌ وَ بِهَا حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَةٌ.
پاره آتش آن فروزان است. در آن نور است و با آن حرارتی پراکنده است. | ٢- الشَّمْسُ
خورشید |
| ٣ | كَوْكَبٌ يَدُورُ حَوْلَ الأَرْضِ؛ ضِياؤُهُ مِنَ الشَّمْسِ.
ستاره‌ای است که دور زمین می‌چرخد؛ نورش از خورشید است. | ٣- القَمَرُ
ماه |
| ٥ | بُخارٌ مُتراكِمٌ فِي السَّماءِ يَنْزِلُ مِنْهُ المَطَرُ.
بخاری متراکم در آسمان است که باران از آن می‌بارد. | ٤- الأَنْعَمُ
نعمت‌ها |
| ٦ | مِنَ المَلابِسِ النِّسائيَّةِ ذاتِ الألوانِ المُختلِفَةِ.
از لباس‌های زنانه با رنگ‌هایی مختلف است. | ٥- الأَغْيَمُ
ابر |
| ١ | قِطْعَةٌ مِنَ النَّارِ.
تکه‌ای از آتش است | ٦- الأُفْستانُ
از لباس‌های زنانه |
| | | ٧- الأَدْرَرُ
مرواریدها |

التَّمْرِينُ السَّابِعُ: صَعِّ هَذِهِ الْجُمْلَ وَ التَّرَاكِبِ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ، ثُمَّ تَرَجِّمْهَا.

هُؤْلَاءِ فَائِزَاتُ / هُذَانِ الدَّلِيلَانِ / تِلْكَ بَطَّارِيئُهُ / أَوْلَيْكَ الصَّالِحُونَ / هُؤْلَاءِ الْأَعْدَاءُ / هَاتَانِ الرَّجَاغَتَانِ

مفرد مؤنث	مثنى مذکر	مثنى مؤنث	جمع مذکر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مكسّر
تلك بطاريته	هذان الدليلان	هاتان الزجاجتان	اولئك الصالحون	هؤلاء الفائزات	هؤلاء الأعداء
آن باترى	اين، دو راهنما	اين، دو شيشه	آن، صالحان	اين، برندگان	اين، دشمنان

التَّمْرِينُ الثَّامِنُ: اُكْتُبْ وَزْنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ وَ حُرُوفَهَا الْأَصْلِيَّةَ.

- ١- ناصِر، مَنصُور، أَنصَار: .. فاعِل .. مفعول أفعال .. ن ص ر ..
- ٢- صَبَّار، صَبُور، صَابِر: .. فَعَال .. فَعُول فَعْل .. ص ب ر ..
- ٣- مِفْتَاح، اِفْتِتَاح، فَاتِحَة: .. مِفْعَال .. اِفْتِعَال فاعِلَة .. ف ت ح ..

التَّمْرِينُ التَّاسِعُ: صَعِّ الْمُتَرَادِفَاتِ وَ الْمُتَضَادَّاتِ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ. = ≠

ضِيَاءُ / نَامٌ / نَاجِحٌ / مَسْرُورٌ / قَرِيبٌ / جَمِيلٌ / نِهَآيَة / يَمِينٌ / غَالِيَة / شِرَاءٌ / مَسْمُوحٌ / مُجِدٌّ

رَخِيصَة ≠ غَالِيَة	رَاسِبٌ ≠ نَاجِحٌ	يَسَارٌ ≠ يَمِينٌ	حَزِينٌ ≠ مَسْرُورٌ
بَيْعٌ = شِرَاءٌ	بِدَايَة ≠ نِهَآيَة	بَعِيدٌ ≠ قَرِيبٌ	مُجْتَهِدٌ = مُجِدٌّ
رَقَدَ = نَامٌ	قَبِيحٌ ≠ جَمِيلٌ	نُورٌ = ضِيَاءٌ	مَمْنُوعٌ ≠ مَسْمُوحٌ

التَّمْرِينُ الْعَاشِرُ: أَرَسِّمْ عَقَارِبَ السَّاعَاتِ.



التَّاسِعَة إِلَّا رُبْعًا

هشت و چهل و پنج دقیقه



الثَّامِنَة وَ النُّصْفُ

هشت و نیم



الخَامِسَة وَ الرَّبْعُ

پنج و ربع